

# پدیده ستاره

■ سانسجیت ناروکلکار

ترجمه: ارغوان اشتری

در پشت پرده سیستم ستاره‌سازی، نه تنها آدم‌های متمصب و کورن، فقدان فیلمنامه‌های جدید و تفکرات مادی تولیدکنندگان دیده می‌شود، بلکه نگاهی دیگر در پرداختن به انسان پیچیده نیز مشاهده می‌شود.

## ۱- مخلوق دوربین

جورج کوکو: «حتی اگر ستارگان کار خاصی انجام نداده باشند مردمی را می‌بینید که در وسط صحنه تمایش آنها را همراهی می‌کنند. گاهی اوقات این احساس یک هیجان و شور درونی است. اما اغلب در شیوه استفاده از لامپ‌ها است که چشم‌ها را خیره می‌سازند. ستارگان متولد شده‌اند تا مخلوق دوربین باشند.»

آنان در سرتاسر این جهان تمدن در جائیکه فیلمی ساخته می‌شود و به نمایش درمی‌آید، متولد می‌شوند. نه تنها در هالیوود و یا هند بلکه حتی در کشورهای که تنها مایه مباحثات و افتخار صنعت فیلمسازی باشند. همانطوریکه آلکساندر والکس پس از مطالعه عالی و دقیقش روی این پدیده در هالیوود عنوان کرده است: ستارگان ویژگی صنایع فیلمسازی در سرتاسر جهان هستند. در حقیقت ستاره، خون حیات بخش هر صنعت فیلمسازی پول‌سازی است که متکی به قوه جاذبه اوست. علیرغم این مسئله، بسیار مشکل است که برای «ستاره» و آنچه که او را بوجود می‌آورد تعریفی بیان کرد.

الف - چهره خوب؟! راجش خانان و آمیتا باچان دارای چهره‌های معمولی هستند و قبل از این دو، یک دوچین هنرمند با چهره‌های بهتر از آنها در صنعت سینمای هند وجود داشته‌اند. اما هنوز هم خانان و باچان در صدر بازیگران صنعت فیلمسازی هند قرار دارند - البته در زمان‌های متفاوت.

ب - استعداد بازیگری؟! دیوآنند یک بازیگر خوب نیست اما بیش از چهار دهه بعنوان یک ستاره بزرگ مطرح بود.

پس چه چیز یک ستاره را می‌سازد؟ چه عنصری «قوه جاذبه» یک ستاره نامیده می‌شود که او را از یک آدم معمولی متمایز می‌سازد؟

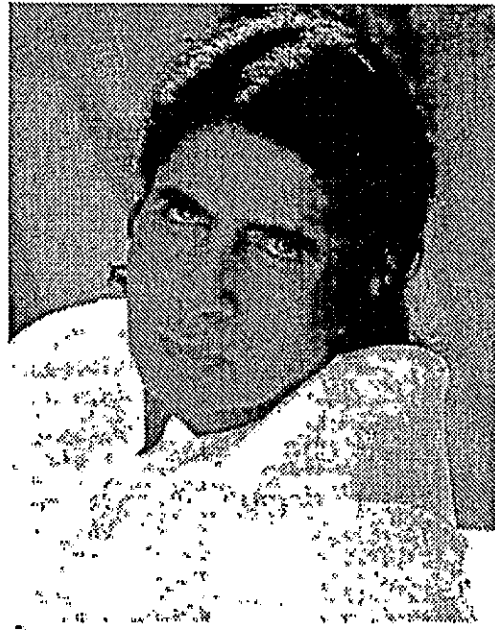
جورج کوکو اعتقاد دارد این شرایط «تولد و ظهور» است که ستاره را به عنوان یک شخص متفاوت بارز می‌سازد.

آلن دوان می‌نویسد: «زمانیکه ستاره‌ای را می‌بینید، به یک بازیگر نگاه نمی‌کنید، بلکه شخصی را می‌بینید که همیشه آنچه را که خواسته‌اید در نهادش قرار داده‌اید - در قالب سنتها یا خارج از سنتها - شما به او علاقه دارید به دلایلی چند ...»

ساتیا جیت رای نزدیکترین و جامع‌ترین تعریف را ارائه داده است. او ستاره را به عنوان «شخصی به روی پرده که به صورت متمادی با احساس و علاقه مردم روبرو می‌شود حتی بعد از اینکه از این کار خارج شد» بیان کرده است. تعریف رای ستارگان پشت دوربین را نیز در بر می‌گیرد.

پس بدین ترتیب به تعریفی با کاربرد بهتر می‌رسیم که: «ستاره، نمایش دهنده‌ای است که همواره توجه تماشاگر را

## ۲- ظهور ستاره



حتی پس از پایان نمایش به خود جلب می‌کند. از آنجائیکه در موفقیت یک فیلم، ستارگان، عنصر مهمی محسوب می‌شوند در گذشته، بسیاری از رؤسای استودیوها سعی بر ستاره‌سازی داشته‌اند. (منظور خلق یک ستاره بطور ساختگی برای حفظ اشتهاست.)

اما همانطوریکه شهرت، یک بازیگر را برای پیسنده محبوب می‌سازد، پس استودیوها نمی‌توانند ستاره‌سازان خوبی باشند. بلکه این خود تماشاگر است که ستاره را می‌آفریند. همانگونه که جیمز موناکو در این باره می‌گوید: «ستارگان آفریده مردم بوده و خواهند بود» آنها الگویی روانشناسانه هستند و شرایط و موقعیتهایی را به نمایش می‌گذارند که ما آنها را تحسین می‌کنیم.»

یک ستاره حتماً یک بازیگر خوب نیست... در واقع می‌توان پا را فراتر نهاد و عنوان کرد؛ یک بازیگر خوب بندرت به یک چهره موفق و ستاره تبدیل می‌شود. (مثال بارزش سانجیو کمار.)

یک هنرمند نمی‌تواند خیلی تابع خواستها و آرزوهای تماشاگر باشد. تا او همیشه در قالب نقش‌هایی که سبب شهرتش شده است بیفتد. مصداق آن: دیلیپ کمار (بازیگر تراژدی، آمیتا باچان قهرمان به پا خواسته از جامعه بی‌نظم و درمندرا مردی آرام با قلبی رثوف.

اما پیسنده از دیدن نقش‌های تکراری نیز خسته می‌شود. (شکست فیلمهای آمیتا باچان در اوائل دهه هشتاد.)

هنرمندان عاقلی چون دیلیپ کمار برای نقشهایشان حد و مرزی قائل شده‌اند تا تماشاچی را خوشحال نگه دارند و باعث خستگی آنان نیز نشوند.

اغلب پیسنندگان عنوان می‌کنند ستارگان نقش زندگی واقعی خود را به روی پرده ایفا می‌کنند. اما برخی دیگر نیز اعتقاد دارند که آنان نقشهای روی صحنه را در زندگی شخصی خود پیاده می‌کنند. مصداق آن پریا تندولکار است زمانیکه منکر شباهت به راجانی شخصیتی که در یک سریال تلویزیونی ایفا کرده بود با زندگی واقعی‌اش شد و یا آمیتا باچان از تکرار نقشی که در الله‌آباد داشت امتناع ورزید.

گاهی اوقات بازیگران نقش‌های بسیار به یاد ماندنی را ایفا می‌کنند که در شخصیتشان جای می‌گیرد. (مثل شخصیت نوگس در مادر هند).

بطور کلی در کشورهایی که سینما بخشی از سرگرمی مردم را تشکیل می‌دهد فیلم و ستارگان فیلم‌ها بر ماخذ جامعه و توانایی‌ها و بسیاری از اوقات بر فرهنگ جامعه نیز تأثیر می‌گذارند. بازیگر به الگوی فرهنگی - اجتماعی تبدیل می‌شود؛ در جائیکه تماشاگر بتواند اساس پاسخگویی به او باشد.

سیستم ستاره‌سازی در فضای فشرده و غیرعادی با موفقیت روبرو می‌شود. این سیستم در طوفان عظیمی که تولیدکننده آن است تمامی دست اندرکاران ساخت فیلم را در اندازه‌های مختلف رشد می‌دهد. دهه پنجاه و شصت میلادی نه تنها برای ستارگان بلکه برای کل صنعت سینما [بالیوود] در غیبت تلویزیون، ویدئو و ماهواره و دیگر وسایل سرگرمی، سالهای طلائی بود.

حضور موج نو در دهه هفتاد و تغییر دستمزدها و تبصره‌های آن به روی این سیستم تأثیر بسزایی گذاشت (شهرت راجش خانادر دهه هفتاد)

همچنین ظهور بازیگران تحصیلکرده به صورت آکادمیک در این عرصه نسل دیگری از ستارگان چون شاتروگان سینا، جایا بهادری، ناونین نیسچول و ... را به این سیستم ستاره‌سازی ملحق کرد.

حضور بازیگران هندی در فیلمهای خارجی را نمی‌توان یک پدیده دانست زیرا در گذشته تعداد اندکی از ستارگان هندی، نقشهایی مهم در فیلمهای خارجی ایفا کرده‌اند. بویژه ای.اس. جوهر آخرین فیلساز، نویسنده و بازیگری است که نامزد دریافت اسکار برای ایفای نقش در The black Harry و پیر شده است. قابل انکار نیست که تنها بازیگر هندی که در فیلمهای هالیوودی - انگلیسی بازی کرده است و در این محدوده شناخته شده است. ای.اس. جوهر است.

البته دیوآنند نیز در فیلمی انگلیسی - هندی به نام راهنما ایفای نقش کرد و پس از آن در گل شیطان مقابل بازیگری فیلیپینی قرار گرفت.

هیچ کسی شیشی کاپور را که انتخاب گروه مرجنت - ایوری بوده است فراموش نمی‌کند. (قابل ذکر است که این مقاله از ذکر نام بازیگرانی که نقش‌های کوتاه در فیلمهای خارجی داشته‌اند خودداری کرده است.)

در یک جمع‌بندی هیچ کدام از بازیگران فوق‌الذکر حتی کمیویدی که توانست در هالیوود برای خود جایی پیدا کند نتوانسته‌اند پا را از این محدوده فراتر نهند.

در ۱۹۸۴ ام. پوری جایزه بهترین بازیگر را از جشنواره فیلم کارلوری واری بدست آورد. یکسال بعد ناصرالودین شاه جایزه بهترین بازیگر را از فستیوال ونیز دریافت کرد.

## ۳- حضور ستارگان

بسیاری از بازیگران هندی از عرصه هنر به عرصه سیاست قدم گذاشته‌اند.

اگر سونیل دات و ویجنتی مالا سیاستمداران موفق هستند. آیا این امر بخاطر گذشته آنها به عنوان «هنرپیشه» نیست؟

اخیراً دات در تحقیقات بیماری سرطان مشارکت کرد و همسرش نرگس هم قبل از مرگ عضو پارلمان بود. و آمیتا باچان از نخست‌وزیر متوفی (راجیو گاندی) حمایت می‌کرد. و همچنین افرادی چون: رام چاندرا و رامانو.

بازیگران بخاطر حرفه‌اشان باید به نحو احسن و به خوبی رفتار کنند. آنچه که آنان را به سیاست می‌کشاند در قدرتی است که بازیگری به آنها می‌دهد. اما برخی سیاست را در «بازگرداندن» آنچه که بدست آورده‌اند می‌بینند.

ستارگان فیلمها مرهون حرفه‌اشان نیازمند به برقراری ارتباطاتند. آنها می‌دانند که چگونه از دستها و صدایشان استفاده کنند تا بتوانند عقاید و نظریات خود را ابراز کنند. بنابراین آنها به سهولت هرگونه حمایتی را که بخواهند بدست می‌آورند. همه آنچه که یک بازیگر نیاز دارد؛ یک فیلمنامه‌نویس خوب است تا برایش دیالوگهای خوب بنویسد.